

در عهدی شاه شمس

آغاز تنهایی ست سفر

مهدی خادمیان

به زیور پیش سخن
دکتر سید محمد ترابی

www.ketab.ir



سرشناسه : خادمیان، مهدی، ۱۳۵۵ شهر یور -
عنوان و نام پدیدآور : سفر آغاز تنهایی ست... / مهدی خادمیان؛
به زیور پیش سخن سید محمد ترابی.
مشخصات نشر : تهران: مشق شب، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری : ۹۲ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۲۰-۷۶-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع : Persian poetry -- 20th century
شناسه افزوده : ترابی، سید محمد، ۱۳۲۸ -، مقدمه نویسنده
رده بندی کنگره : PIR۳۴۲
رده بندی دیویی : ۸۵۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی : ۷۶۰۹۶۳۶



نام کتاب: سفر آغاز تنهایی ست...
سراینده: مهدی خادمیان

صفحه آرای و طراحی جلد: میثم باقری
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰
تعداد صفحات: ۹۲
قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۲۰-۷۶-۲

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر می باشد.
نشانی و مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان قدس،
ساختمان آنا تول فرانس (شماره ۳)، واحد ۱۱
تلفن تماس: ۱۷ - ۱۶ ۲۵ ۹۶ ۶۶ نمابر: ۲۰ ۴۸ ۸۸ ۶۶

پیش سخن

بنام داداری که با آفرینش خرد، ذهن آفرید و در ذهن، شعر! به جرأت می توانم گفت که تا اکنون در هیچ مجموعه‌ی شعری به این کوتاهی و اقتصار، این همه شعر، شعر ناب، مضامین شاعرانه، آرایه‌های ادبی و تنوع در سبک و شیوه‌ی شاعری ندیده‌ام! البته باید اعتراف کنم که من نه تنها شاعر نیستم، نقیصه‌ی دیگری هم دارم و آن این است که سال‌هاست، یعنی از پایان دهه‌ی پنجاه به این سو، خط سیر شعر معاصر ایران را پی نگرفته‌ام. به این سبب ذائقه‌ی شعری من ساخته‌ی تجربه‌ایست از شعر فارسی کهن، که با منظومه‌ی "یادگار زریر" و "سرود کورگی" و "سرود مردم بلخ" آغاز شده و به اشعار زیبای ایرج و پروین و بهار پایان پذیرفته است.

سپس پس از یک وقفه‌ی کوتاه، ادامه‌ی شاعران معاصر را، مثل نیما، شهریار، رهی، حمیدی، اخوان، شاملو، فروغ و سهراب، از پایان دهه‌ی شصت به این طرف، در سال‌های پُر از مشغله‌ی فرهنگی و دانشگاهی‌ام و در سفرهای خارجی و بیرون از این سوی عالم به آن سو - که برصندلی هواپیما به دانه‌ای بنشسته در حوصله‌ی مرغی آهنین بال می‌هانستم - هروقت فرصتی دست می‌داد، در ساعات انتظار پروازها در فرودگاه‌ها، یا در مسیرهای دور و دراز پرواز از آسیا به اقیانوسیه، از اقیانوسیه به اروپا و آمریکا، بهترین سرگرمی که گذر زمان را بر من کوتاه می‌ساخت، تورق در مجموعه‌ی اشعار شاعران معاصر بوده است! با همین اندک‌مایه از بضاعت شعر است که به خواندن این مجموعه از جناب مهدی خادمیان، شاعر خوش ذوق و نیکو سخن، پرداخته‌ام. همین جا باید از جناب رضا هوشمند، دوست ادیب و نویسنده‌ام، که صاحب ذوق سلیم و دانش عمیق ادبی‌ست، سپاس‌گزاری کنم چون او این فرصت را برای من ساخت! در چشم من، آقای خادمیان به تمام معنی کلمه شاعر است! شعرش از یک سو درستی تبارش به شاعران دامغان را ثابت می‌کند، از سوی دیگر او را به شاعرانی می‌رساند که "نظامی" بوده‌اند. او سرهنگ شاعر و بی‌گمان شاعر سرهنگ است.

انتسابش به حال و هوای کویری دامغان را در غزل‌های بعد نشان خواهم داد اما "سرهنگی" اش

را در نخستین غزل از مجموعه می‌شود دید وقتی به استخدام واژه‌های "قلعه"، "سنگر"، "معبر" و "خونین شهر" می‌پردازد، که همه‌ی آنها، هم خوب انتخاب شده و هم به شایستگی در مضامین خودنشانسته‌اند:

تشبیه سینه به قلعه‌ای که جز مرگ دری دیگر ندارد، و مانند ساختن قلب به خونین شهرِ مظلومی که "شادی" در آن "سنگری" ندارد! و البته اگر به پارادوکس قلب ظالم - که درون خود سنگری به شادی نداده و همه‌ی وسعتش را به دست اندوه سپرده - با خونین شهری که «همیشه مظلوم است» - نه فقط در دوره‌ی جنگ، داغِ مظلومیت خود را با خونِ مردمش بر سینه نشانده، که تا هنوز، تا سی و اند سال پس از پایان جنگ هم مظلوم مانده است - توجه کنیم؛ هنرهای شعری شاعر به‌واقع ستودنی می‌شود!

پارادوکس یکی از عناصر شعری خادمیان است، چنان‌که در غزل شماره‌ی دو، ابتدا در واژه‌ی عقل (این درد بی درمان) رخ می‌نماید. عقلی که از او انتظار دوا و درمان داریم، درد بی درمان شاعر شده است و من می‌توانم از دل این پارادوکس آشکار یک پارادوکس پنهان هم بیرون کشم، و آن تقابل یا تخالف یا تضاد (هر چه می‌خواهد بنامیدمش، منظور من واژه‌ کاتراست انگلیسی است) میان عقلی مذکور در شعر است و الثقافة شاعر به عشقِ مکنون در مضمون سخن!

غزل دوم مجموعه اما رنگ و بوی سبک هندی و حال و هوای شعر صائب دارد. نمی‌دانم به‌راستی این بیت "صائبانه" است یا من طعم سخن صائب را از آن بی‌فهمم، از بس که در طبع و نشر و تلخیص و تدریس جلد پنجم تاریخ ادبیات استاد صفا با این سبک و این نوع از شعر فارسی درگیر بوده و خوی‌گر شده‌ام. به بیت بنگرید:

«فرار از عقل پایم را به دام عشق وا کرده‌ست

پناه آورده خار از بی‌کسی در خانه‌ی طوفان»

مصراع دوم حتی استعداد ارسال المثل شدن دارد.

این صنعت تضاد یا تقابل که واژه‌ "کاتراست" معنای روشن‌تری از آن به من می‌دهد در اغلب ابیات این مجموعه جلوه‌گری دارد و به سخن شاعر رنگ و رونقی به‌سزا بخشیده است مخصوصاً که contrast به باور John Peck ابزاری ست که به خواننده در درک و فهم معنا و مضمون شعر یاری می‌رساند.^(۱) و معانی نهفته در الفاظ را آشکار می‌سازد.